

سیاست‌های آبی رژیم صهیونیستی در خاورمیانه اهداف سیاسی دارد

آب بستن به سیاست

حمید سینی ساز
کارشناس منابع آب

آب، حیاتی‌ترین نیاز جوامع است و نقش تعیین‌کننده‌ای در زندگی اجتماعی و به تبع آن در سیاست، بازی می‌کند. زیرا بحران‌های آبی، تمام بدنه یک جامعه را درگیر می‌کند و از این رو، راه‌حل‌های تأمین آب سالم و جبران کم‌آبی نیز سهل‌الوصول نیستند.

در منطقه خشک غرب آسیا مساله آب به سبب کمبود نزولات آسمانی و سیاستگذاری‌های غلط به بحرانی جدی مبدل شده است. این بحران‌ها به حد مناقشات در منطقه رسیده که برای برون‌رفت از آن تصمیمات درستی نیز اتخاذ نشده است. رژیم صهیونیستی نیز از این بحران به دید یک فرصت نگاه کرده و با به‌کارگیری روش‌های مختلف بر شدت آن نیز افزوده است. از طرفی با خدعه‌های مختلف و با نشان دادن تصنعی نیت خیر، سعی دارد هم به بی‌ثباتی در غرب آسیا دامن بزند و هم در بطن مردم منطقه نفوذ پیدا کند.

■ **عملکرد اسرائیل در حوزه‌های آبی منطقه**

رژیم صهیونیستی در پی ایجاد تفرقه بین کشورهای است که دارای مرز مشترک در حوزه آب‌بریز هستند. به‌طور مثال کشوری مثل ترکیه از نظر جغرافیایی در حوزه آب در بالادست و ایران و عراق در پایین‌دست قرار دارند.

اسرائیل در ترکیه سرمایه‌گذاری می‌کند و همه شرکت‌های خودش را می‌برد و در سطح مقامات عالی دو کشور رابزینی‌هایی انجام می‌دهد تا اینکه این کشور ترغیب شود به سمت مهار آب‌های مرزی خارج شده از کشورش برود. همچنین امریکایی‌ها در افغانستان نیز همین شیوه را اجرایی کردند و آب‌های مرزی خارج‌شونده از آن کشور به سمت ایران را مسدود کردند. این به نیت نفع اقتصادی نبوده است بلکه اهداف سیاسی را دنبال می‌کند. پروژه‌های مختلف که در کشور ترکیه با همکاری شرکت‌های اسرائیلی انجام شده مؤید همین مساله است. البته به نظر نمی‌رسد که درآمد زودحاصل شدنی از نظر اقتصادی برای شرکت‌های ترکیه و اسرائیلی داشته باشد. زیرا ما نیز در کشورهای دیگری پروژه‌های سدسازی داشته‌ایم و از نظر تجربی یک سد نمی‌تواند در عرض سه یا پنج سال و حتی ۱۰ سال هزینه‌هایی را که بابت آن می‌شود، جبران کند.

پس دلیل انجام هزینه‌های سنگین و پروژه‌های متعدد که تنها به یک یا دو سد منجر نمی‌شود بلکه مثلاً تعداد سدها روی رودخانه و سرشاخه‌ها در پروژه گاپ، گاه به صد عدد هم می‌رسد، مسلماً اهداف اقتصادی صرف در پشت این ماجرا نیست و اهداف سیاسی نیز نقش دارند. این اقدامات برای ایجاد اختلافات سیاسی بین دوو حتی سه کشور ایران، ترکیه و عراق وارد آوردن خسارات اقتصادی به دو کشور ایران و عراق است؛ چرا که سود اقتصادی چندانی برای ترکیه ندارد اما حتماً خسارات کوتاه‌مدت برای ایران و عراق در پی خواهد داشت و آنها با بحران روبه‌رو خواهد کرد.

با کم شدن دبی رودخانه‌های واردشونده به عراق – حتی در پروژه جدید سدسازی که روی سرشاخه‌های ارس ایجاد کردند آب مستقیماً به سمت ایران و مرز ایران و آذربایجان حرکت می‌کند- اراضی برای آبیاری آب کمتری دریافت می‌کنند و در معرض خشک شدن و از دست رفتن پوشش گیاهی خود هستند. الان هم نتیجه آن به وضوح دیده می‌شود. در عراق پوشش گیاهی بسیاری از مناطق از بین رفته که مستعد کانون بزرگرد است و با کوچک‌ترین باد هم مستقیماً کشور عراق را درگیر کرده و هم وارد کشورهای دیگر شده که در مسیر باد قرار دارند و این مساله خسارت‌بار بوده است. همچنین اقدامات در سرشاخه‌های رودخانه ارس در درازمدت می‌تواند به افت کیفیت حاصلخیزی دشت مغان بینجامد و کاهش تولیدات و محصولات کشاورزی این دشت و نهانپاش روی اشتغال در منطقه هم تأثیرگذار باشد. این خسارات حتی در همان سال اول بروز می‌کند و سال به سال هم تشدید می‌شود.

بحران آبی، خشکسالی و مسأله آلودگی هوا توسط ریزگردها که توسط رسانه‌های غربی نیز با مقصرتنمایی ایران، پیمانازی می‌شود برای درگیری و رویارویی دو کشور محور مقاومت ایران و عراق است. خصوصاً که در یک جبهه قرار گرفتن مقابل داعش و پیروزی بر آن، موجب قربات دو کشور در زمینه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی و اقتصادی شده است. عراق با موقعیت ژئوپلیتیک در نقشه محور مقاومت، مورد توجه ویژه غرب و اسرائیل است. این رسانه‌ها، با شانتاژهای رسانه‌ای علیه ایران، انگشت اتهام را نه به سوی ترکیه که عامل اصلی است بلکه به سمت جمهوری اسلامی می‌برند. اعتراضات در برخی مناطق عراق و اظهارات مقامات این کشور در چند هفته گذشته تأییدی بر این مطلب است. عراق مدعی است، تهران آب‌های شاخه‌هایی که دجله را تغذیه می‌کند منحرف می‌کند و بدون در نظر گرفتن نیازهای عراق، سدهایی می‌سازد. رسانه‌های غربی سعی دارند این گونه صحنه‌سازی کنند که بحران آبی آن توسط ایران برای فشار به دولت و مردم عراق است تا تصمیمات آنها را اجرایی سازند.

یکی از روش‌های نفوذ اسرائیل، فروش یا حتی اهدای دستگاه‌های شرکت واترگن (watergen) که تولیدکننده آب شرب از رطوبت هوا و از پیشرفته‌ترین دستگاه‌های تهیه آب است، می‌باشد. این شرکت ده‌ها دستگاه خود را در خاک غزه و در سوریه بین نیروهای کرد دموکرات که متحد امریکا هستند، برای پناهندگان سوری اهدا کرده است. این دستگاه‌ها فرار است برای تبلیغات بیشتر در مراکز درمانی و مدارس نصب شوند که به ادعای مقامات رژیم یک پیشرفت سیاسی و برای قربات بین مردم سوریه و غزه و اسرائیل است. همچنین، فرار است این رژیم حدود ۲۰۰ دستگاه برای مصرف خانگی در خاک امارات نصب کند.

این اقدام در سالگرد پیمان ابراهیم در حال انجام است و رسانه‌های صهیونیستی می‌کوشند از نصب آن دستاوردسازی کرده و آن را از نکات مثبت روند عادی‌سازی با اسرائیل قلمداد کنند. بدین‌منظور از اهداف اصلی فعالیت‌های آبی این رژیم، زمینه‌سازی عادی‌سازی رابطه با اسرائیل از طریق طبقات مردمی و تطهیر چهره غاصب خود می‌توان بر شمرد. اسرائیل در بلندی‌های جولان نیز که تحت حاکمیت سوریه است ولی به ناحق توسط او غصب شده است اهدافی دارد. یکی از اهداف آن تسلط نظامی بر منطقه به دلیل موقعیت استراتژیک آن است، ولی از اهداف دیگر آن، تصاحب سرشاخه‌های منابع آبی است که از آن بلندی‌ها به سمت سرزمین‌های سوریه حرکت کرده است. رژیم صهیونیستی با تغییر مسیر جبران این آب آن را به سمت سرزمین‌های اشغالی روانه کرده است. اگر این رژیم دستگاه تصفیه آب هم هدیه بدهد، خساراتی که با آنحرف منابع آب گسترده بلندی‌های جولان ایجاد کرده، جبران نمی‌کند.

■ **اقدامات لازم برای کنترل بحران**

راه‌حل دیپلماسی آب، صرفاً در درون مسائل آبی نیست. کما اینکه منافع اقتصادی دو کشور هم تنها در این زمینه مشترک نیست. باید از همه ابزارهای ممکن استفاده کرد. حتی می‌توان پاسخ متقابلی در یک بخش دیگر اقتصادی داشت تا نشان دهد این قبیل رفتارهای ترکیه‌بی جواب نمی‌ماند.

ترکیه سالانه درآمد قابل توجهی از گردشگری دارد که سهم مهمی از آن متعلق به گردشگران ایرانی است. همچنین ترکیه از مشتریان گاز و مشتقات نفتی ایران است. ترکیه ایران نسبت به وصول درآمد‌های گردشگری و سهولت واردات انرژی ارزان از جانب ایران احساس خطر بیشتری کند تا موجه شود دست ایران نسبت به اقدامات تخریبی این کشور در حوزه منابع آب مشترک بسته نیست. ولی متأسفانه در کشور ما مسائل دیپلماسی آب منحصر از بخش آب دنبال می‌شود یا نهایتاً مقامات وزارتخانه‌های امور خارجه دو طرف در این موضوعات رابزینی و گفت‌وگو می‌کنند در صورتی که ما هم باید ابزارهای متناسب با چنین رفتارهایی را در مقابل آنها در پیش بگیریم که توانی در منطقه در قدرت چانه‌زنی به وجود آیدتا بتوان به راه‌حل پایدار رسید وگرنه اگر کشوری به جمهوری اسلامی ایران خسارت اقتصادی و زیست محیطی وارد کند و مطمئن باشد که هیچ آسیب متقابلی نخواهد دید، هیچ‌وقت از سیاست‌های این چنینی دست بر نمی‌دارد مضافاً بر اینکه مقامات ترکیه به تنهایی به این تصمیم نرسیده‌اند و قطعاً تحریک مقامات اسرائیلی در تصمیمات آنها اثرگذار بوده است. بنابراین ما صحنه را باید در این سطح تحلیل و بررسی کنیم.

در حال حاضر نیاز است تا شرکت معتبری وجود داشته باشد که بتواند در بحران آبی منطقه نقش آفرینی فعال داشته باشد. ضمن اینکه ساختار کنونی مدیریت منابع آب کشور لازم است زمینه را برای شرکت‌های خصوصی بیشتر فراهم کند. شرکت‌های نسبتاً معروفتر در حوزه آب هم عمدتاً شرکت‌های سدسازی هستند که مشغول فعالیت در پروژه‌های عمرانی داخلی‌اند؛ این شرکت‌ها اگرچه می‌توانند حضور بین‌المللی داشته باشند، اما در حوزه تصفیه آب دریا، فاضلاب یا سایر فعالیت‌های مدیریت منابع آبی نظیر استفاده از رطوبت هوا، باید زمینه فعالیت‌شان بیش از پیش فراهم شود.

■ **شنبه ۴ تیر ۱۴۰۱**
■ **سال بیست و هشتم**
■ **شماره ۷۹۴۰**

نگاهی به افزایش یک‌باره بودجه نظامی آلمان

دنیای گفتمان‌ها یا دنیای موشک‌ها؟!

■ **الیه اکبرزاده**

پژوهشگر

به گواه کتاب‌های تاریخ و نقشه‌های جغرافیا، آلمان همیشه محصور میان همسایگان بزرگ و پرقدرتی بوده که موجودیت این کشور را تهدید می‌کرده‌اند؛ در شرق تهدید روسیه و در غرب سایه حضور فرانسه و نیروی دریایی انگلیس را بر سر خود احساس کرده است.

۱۵۰ سال است که کشور متحد آلمان شکل گرفته و در این مدت آلمانی‌ها دوبار در جنگ‌های جهانی و در برهه‌هایی در جنگ‌های منطقه‌ای سعی کرده‌اند بر این جغرافیا غلبه کنند. باور آلمانی‌ها به فرهنگ متعالی و توسعه نظامی و صنعتی‌شان همیشه آنها را مقابل این سه رقیب سنتی قرار داده است. عاقبت اما، پس از جنگ دوم، آلمان شکست‌خورده در جنگ و سرخورده از ایده نازیسزم و «اراده معطوف به قدرت» تحت فشارهای خارجی از نظر نظامی منزوی شد. برای ارتش آلمان و ژاپن پس از جنگ چهارچوب‌های ویژه‌ای تعیین شد. ارتش آلمان در ناتو ادغام شد، تحت کنترل امریکا در آمد و متعهد شد که از سلاح‌های هسته‌ای و شیمیایی استفاده نکند؛ همچنین کاملاً تحت نظارت مجلس قرار گرفت، تا آنجا که معمولاً در جوامع نظامی دنیا ارتش آلمان را به‌عنوان ارتشی پارلمانی خفیف و مسخره می‌کند؛ آلمان به عضویت ناتو هم در آمد اما رویکرد آلمان جدید تبدیل شدن به قدرت اقتصادی بود نه نظامی. به همین دلیل، به‌رغم داشتن اقتصاد برتر اروپا، زیر بار تخصصی‌دوم در مرید از تولید ناخالص داخلی اش به بودجه نظامی نرفت. آلمان نسبت به استفاده از قدرت نظامی بی‌میل بود؛ در کوزوو و افغانستان به‌عنوان بازیگر فرعی نقش ایفا کرد و خود را از درگیری در لبی‌کانل کشید. این گونه بود که دلیل عدم سرمایه‌گذاری کافی بر توسعه نظامی، مورد انتقاد امریکا و دیگر اعضای ناتو قرار می‌گرفت و کشورهای اروپای شرقی نیز سیاست این کشور را نوعی «بی‌تفاوتی و بی‌مسئولیتی» تلقی می‌کردند. سیاستی که از نظر آنها باعث تهور روسیه و افزایش تهدیدش می‌شد.

آلمان در تمام این سال‌ها به شرایط و نقش خود خود کرده بود و انگار نظر کسینجر را پذیرفته بود که «گرچه برای اروپا، بزرگ است ،اما برای جهان کوچک است». این کشور، پس از جنگ دوم، تهدیدهای جغرافیایی‌ای را که ناگزیر به آنها دچار است با اتخاذ خنثی کرد. در سیستم یکپارچه اتحادیه اروپا و با ایدئولوژی «اتحادی هرچه نزدیک‌تر»، آلمان تاتش کرد اروپا را در کنار خود نگه دارد و به هر ترتیب جلوی ضعف اتحادیه اروپا را بگیرد

و بازار صادرات محصولاتش را حفظ کند.

از سوی دیگر در سیاست خارجی خصوصاً در مواجهه با روسیه، ملایم سخن می‌گفت

و از توسل به زور و استفاده از قدرت نظامی خودداری می‌کرد. آلمان مرکل حتی در ماجرای الحاق کریمه به روسیه، که شدت موجودیت این کشور را تهدید می‌کرده‌اند؛ پشتیبانی از تحریم‌ها بسیار خویشتن‌دارانه عمل کرد و بعد از اعمال برخی تحریم‌های مالی و انرژی علیه روسیه هم اجازه نداد روسیه کاملاً منزوی و غیرقابل کنترل شود.

در تمام دوره صدارت مرکل، او مهم‌ترین طرف صحبت پوتین در غرب بود و معمولاً هفته‌ای یک‌بار گفت‌وگوی تلفنی داشتند. وقتی آلمان با باقی اروپا همراه شد و روسیه را به‌دلیل الحاق کریمه تحریم کرد، آنچه روابطت مسکو و برلین را فعال و پرتحرک نگه داشت تأکید سران دو کشور بر تداوم روابط در حوزه انرژی، بویژه ادامه پروژه گازی نورد استریم ۲ بود. علاوه‌بر گاز، نفت، زغال‌سنگ و تقریباً ازران روسیه مرزیتی برای اقتصاد آلمان بود. منافع اقتصادی و انرژی حاصل از روابط با روسیه برای مرکل اهمیت زیادی داشت، تا آنجا که برلین ترجیح داد در برابر فشارهای تحریمی واشنگتن، برای قطع کامل روابط با روسیه، مقاومت کند و رابطه‌اش با مسکو را حفظ کند. مرکل در مواجهه با روسیه همیشه در نظر داشت که اتحادیه اروپا باید چگونه به اقدام‌های تحریک‌آمیز پاسخ دهد و چگونه می‌شود قالب‌هایی برای گفت‌وگوهای گسترده‌تر و ملموس‌تر از باقی غرب است.

جنگ در اوکراین، که تأمین‌کننده حداقل مرکل و مکررون، برای بهبودبخشیدن به روابط سرد مسکو و اتحادیه اروپا، پیشنهاد کردند سران بروکسل با پوتین دیداری داشته باشند. پس از آنکه روسیه یک‌ریه را اشغال و به خاک خود ضمیمه کرد، اتحادیه اروپا تمام برنامه‌های دیدار با پوتین در سطح سران را کنار گذاشت. سال گذشته نیز این پیشنهاد به مخالفت‌های جدی در اروپا همراه شد، اما مرکل، دست‌کم به گفته خودش، همیشه معتقد بود («اروپا و روسیه همسایه‌هایی هستند که نمی‌توانند یکدیگر را نادیده بگیرند») و «اروپا بهتر است با روسیه به‌عنوان یک شرک رفتار کند. این سیاست کارسازتر از رویارویی با کرملین خواهد بود».

چند ماه قبل، آنگلا مرکل پس از شانزده سال از قدرت کناره گرفت. در این چند ماه اروپا شاهد تحولات بسیاری بود که مهم‌ترین آنها آغاز جنگ روسیه علیه اوکراین است. در سال‌های گذشته مرکل یکی از مخالفان پیوستن اوکراین به ناتو بود. او در توضیح این نظر گفته است که همیشه تلاش می‌کرده با این موضوع از تشدید تنش با روسیه و حرکت به‌سمت فاجعه جلوگیری کند. او علاومبر این اعتقاد داشته اوکراین در آن زمان آمادگی لازم

http://irannewspaper.ir

editorial@irannewspaper.ir



spiegel.de

اولاف شولتس، صدراعظم جدید آلمان، پس از حمله روسیه وعده کرد آلمان را به یک قدرت نظامی برجسته‌تر بدل کند و گفت قصد دارد هزینه‌های نظامی کشور را به بیش از دو درصد تولیدات اقتصادی افزایش دهد. دولت آلمان روز ۲۷ فوریه، ۱۰۰ میلیارد یورو (۱۱۲٫۷ میلیارد دلار) از بودجه سال ۲۰۲۲ را به تسلیحات و تقویت بنیه نظامی اختصاص داد و به این ترتیب، از نظر بودجه نظامی، پس از امریکا و چین در رده سوم جهان قرار گرفت؛ در دنیای پس از جنگ جهانی دوم این حادثه، تاریخی است

مضاعف، آلمان و چند کشور اروپایی دیگر از قبیل ایتالیا و مجارستان با قطع دسترسی روسیه به سوئیفت مخالفت کردند. این جنگ حتی به صنعت خودروسازی آلمان که بسیار تحت‌تأثیر قطعه‌سازی اوکراینی‌ها بود آسیب رساند. لذا می‌توان گفت آلمان، پس از اوکراین، کشوری است که بیشترین ضرر را از این جنگ متحمل شده. با همه این‌ها، به نظر می‌رسد مهم‌ترین تأثیر جنگ بر آلمان در عرصه سیاسی اعمال شده نه اقتصادی. برلین پس از سال‌ها سیاست‌های دفاعی‌اش را تغییر داد، سنت عدم فروش اسلحه به یک کشور درحال جنگ را شکست و به اوکراین سلاح ارسال کرد. (البته آلمان سال‌ها پیش و در جنگ تحمیلی هم در فروش سلاح شیمیایی به عراق پیشقدم شده بود). اولاف شولتس، صدراعظم جدید آلمان، پس از حمله روسیه وعده کرد آلمان را به یک قدرت نظامی برجسته‌تر بدل کند و گفت قصد دارد هزینه‌های نظامی کشور را به بیش از دو درصد تولیدات اقتصادی افزایش یاقته است.

آلمان، از زمان انفجار هسته‌ای ۲۰۱۱ ژاپن تا به حال، سه نیروگاه از شش نیروگاه هسته‌ای‌اش را تعطیل کرده و با فشار دغدغه‌های زیست‌محیطی احزاب سبز می‌خواست فعالیت مابقی آنها را هم متوقف کند. اما حالا و با نگرانی از مساله تأمین انرژی از روسیه، به نظر می‌رسد این برنامه به تعویق خواهد افتاد. اعمال تحریم‌های علیه روسیه نیز پیش از هرکشوری، تجارت آلمان را با اختلال روبه‌رو کرد. در همین راستا و برای جلوگیری از ضررهای

بورو از بودجه مازادی که صدراعظم وعده

این رژیم به مرحله‌ای رسیده که دو حزب تندروی آن یکی به ریاست فتالی بنت و دیگری در دستان بنجامین نتانیاهو عرصه را برای قدرتمنایی مساعد دیده‌اند و هر کدام برای زورآزمایی به‌دنبال فرصتی هر چقدر کوتاه هستند. این روزها مواضع سیاسی در سرزمین‌های اشغالی آتقدر پیچیده شده که رژیم صهیونیستی حالا مجبور است طی سه سال گذشته تن به پنجمین انتخابات پارلمانی بدهد؛ اتفاقی که شاید نظیرش در سایر دولت‌های جهان یا دیده نشود یا بسیار به ندرت رخ بدهد. حالا به نظر می‌رسد با توجه به تحولات روزهای گذشته، کابینه بنت سقوط کرده و احتمال بازگشت نتانیاهو به قدرت بیشتر شده؛ اما تمام اینها برای رسیدن به واقعیت مستلزم یک پیش شرط است آن‌هم اینکه «قانون متمم» در سرزمین‌های اشغالی تصویب نشود، چراکه طبق این قانون افرادی که دارای سوءسابقه و پرونده‌های قضایی هستند، اجازه ندارند در هیچ‌یک از انتخابات شرکت کنند و نامزد بست نخست‌وزیری شوند. این قانون در صورت تصویب شامل حال نتانیاهو می‌شود و او را از دور رقابت‌های بعدی حذف می‌کند. حالا اما این روزها نتانیاهو و طرفدارانش از یک‌سو نگران تصویب این قانون هستند و از طرفی هم خوشحالند دوباره عرصه برای قدرتمنایی آنها باز شده و شاید یک بار دیگر بتوانند سکان سیاسی در داخل سرزمین‌های اشغالی را برای مدتی هر چند کوتاه به دست گیرند؛ خوشحالی‌ای که برای جن جن‌گرفتن و یا رسیدن به قطعیات آن حالا باید چند روز دیگر هم صبر کنند.



Reuters

نتوانسته رضایت احزاب را به خود جلب کند و آنها را با خود همراه سازد. در تمامی تصمیم‌هایی که در این کمتر از یک سال در ساختار سیاسی اسرائیل گرفته شد، در داخل کابینه و کنتس کشمشک‌های بی‌سابقه‌ای به چشم می‌خورد. مخالفت‌ها به اوج خود رسیده بود و احزاب هر کدام ساز خود برای اداره این رژیم می‌خواستند تا بالاخره نتیجه این شد که امروز می‌بینیم. حالا شاید این روزها رژیم صهیونیستی وارد مرحله جدیدی از بی‌ثباتی سیاسی در سرزمین‌های اشغالی شده باشد. رویدادهای سال‌های اخیر نشان داد تغییر در مهره‌های سیاسی نه تنها کمکی به حل‌وفصل اختلافات احزاب در داخل این رژیم نکرده بلکه اوضاع را بیش‌ازپیش پیچیده‌تر هم کرده است. حالا

از طرفدارانش بودند و از هر تیروینی برای حذف‌کنندگی این رژیم استفاده می‌کردند حالا معتقدند اگر ساختار سیاسی صهیونیست‌ها با همین روال پیش برود، رژیم صهیونیستی هر لحظه به برنگاه خود نزدیک‌تر و احتمال است که به نظر نمی‌رسد بنت از رقابت‌های سیاسی عقب‌نشینی کند و یا بار دیگر برای رقابت وارد میدان سیاسی نشود. او حالا این بار از طریق حزب خود یعنی «یمینا» وارد عرصه سیاسی خواهد شد که اگر این اتفاق بیفتد به نظر می‌رسد کلاف سردرگم سیاسی در داخل سرزمین‌های اشغالی و بین مقامات صهیونیستی بیش‌ازپیش پیچیده‌تر شود و باز کردن گره‌های آن روبه‌رو غیرممکن‌تر به نظر برسد. بسیاری از تحلیلگران رژیم صهیونیستی که زمانی